The Culture of Islamic Architecture & Urbanism

Grasping the Thoughts and Mentalities Involved in Shaping the Details and Ornaments of the Facades of Qajar Houses: Case Study of Sorkheie House Façade

Somayeh Jalali-e Milani[1], Ahad Nejadebrahimi[2*], Hamed Beyti[3], Ali Vandshoari[4]

1 Ph.D. Candidate at Islamic Architecture, Faculty of Architecture and urbanism, Islamic Art Unniversity of Tabriz, Iran.

[2] Associate Professor, Faculty of Architecture and urbanism, Islamic Art Unniversity of Tabriz, Iran.

[3] Assistant Professor, Faculty of Architecture and urbanism, Islamic Art Unniversity of Tabriz, Iran.

[4] Associate Professor, Faculty of carpet, Islamic Art Unniversity of Tabriz, Iran.

(Received 4 Agu 2019, Accepted 25 Nov 2019)

During the design process of a building facade, different individuals including client, architect, builder and even – indirectly – general public will either consciously or unconsciously impose parts of their attitudes, thoughts, beliefs and desires. In studies on the facades of historic buildings, understanding such thoughts and attitudes can lead the researcher to an analysis that transcends mere formal or stylistic investigations, and through studying the processes and factors affecting their designing and construction, provides a more comprehensive understanding of these facades, the quality of their formation and their relation to the context in which they have been built. Therefore, presuming the thoughts, wishes, attitudes and beliefs as a collection of conscious and unconscious mental concepts in humans' minds, in this research the terms "thoughts" and "mentalities" have been considered respectively as conscious and unconscious mental concepts; and then attempts have been made to grasp the thoughts and mentalities of individuals or groups engaged in the formation of a historic house façade, through a case study relying on interpretive-historical research methodology. Thus, a Qajar structure named as Sorkheie House, located in the Sorkhab district of Tabriz and commissioned by Mehdikhan-e Asef-ol-saltaneh, was selected, trying to understand the thoughts and mentalities involved in the formation of a façade of the house which faces toward the outer courtyard. To this end, a brief overview on the two concepts o thoughts and mentalities was followed by examining the mentioned façade of the Sorkheie House and historical documents relating to the people involved in the design and construction processes of the house. Since of the people involved in the construction of the house, only the name of the owner (Asef-ol-saltaneh) is cited in the existing documents, at the first step, some historic texts from the Qajar period somehow pertaining to Asef-ol-Saltaneh or his political position were examined using content analysis method. Then at the second step, the façade of the house was read using iconological approach, relying on the information attained from previous step. According to this approach (which involved a methodology for reading the historic works of art and architecture in order to understand their hidden meanings), the details and ornaments of the facade were examined through iconographical analysis and iconological interpretation so as to pin down the thoughts and mentalities that had affected its design and construction. Finally, information attained from both steps were analyzed and discussed. Results of the research indicates that thoughts and mentalities of the people contributing to the designing process of a façade and its details are affected by their historical, economical and socio-cultural status. Moreover, the architect, builder or client, who are involved directly in the designing process, were influenced by general thoughts and mentalities of the society. The results also show that within the mentalities of the people involved in the designing of the facades of the Qajar houses, these facades represented an arena for the emergence of their implicit thoughts, desires and wishes, which was realized through applying patterns, ornaments, and details denoting such thoughts and wishes.

Keywords: Façade reading, Qajar houses, Thoughts and mentalities, Details and ornaments.

* Corresponding Author. E-mail: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

Copyright© 2020, the Authors | This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial .terms

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]

[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

مقالهٔ پژوهشی

DOI: 10.29252/ciauj.5.1.165

سال پنجم، شماره اول- بهار و تابستان ۹۹

فهم افکار و ذهنیات دخیل در شکل‌گیری جزئیات و آرایه‌های نمای خانه‌های قاجاری (بررسی موردی نمای خانهٔ سرخه‌ای)

سمیه جلالی میلانی[۱]، احد نژاد ابراهیمی[۲*]، حامد بیتی[۳]، علی وندشعاری[۴]

۱. دانشجوی دکترای معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز. ایران.

۲. دانشیار دانشکدهٔ معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز. ایران.

۳. استادیار دانشکدهٔ معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز. ایران.

۴. دانشیار دانشکدهٔ فرش دانشگاه هنر اسلامی تبریز. ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۰۵)

چکیده

به هنگام طرح‌ریزی نمای یک بنا، افراد مختلف اعم از معمار، سازنده، کارفرما و حتی عامهٔ مردم- به‌طور غیرمستقیم- بخشی از افکار، نگرش‌ها، باورها و خواست‌هایشان را به‌صورت خودآگاه و یا ناخودآگاه به آن تحمیل می‌کنند. در مطالعات نمای بناهای تاریخی، فهم چنین افکار و نگرش‌هایی می‌تواند به تحلیل کامل‌تری از این نماها و فرآیندها و عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری آن‌ها بیانجامد. بر این اساس در این پژوهش واژهٔ «افکار» به‌عنوان مفاهیم ذهنی خودآگاه، و واژهٔ «ذهنیات» به‌عنوان مفاهیم ذهنی ناخودآگاه، مدنظر قرارگرفته و تلاش شده است تا از طریق مطالعهٔ یک نمونهٔ موردی و با روش تحقیق تفسیری- تاریخی، افکار و ذهنیات افراد دخیل در شکل‌گیری جزئیات و آرایه‌های نمای خانه‌های تاریخی فهمیده شود. بر این مبنا به‌عنوان نمونهٔ موردی، یک خانهٔ قاجاری در محلهٔ سرخاب تبریز با نام خانهٔ سرخه‌ای متعلق به مهدی خان آصف‌السلطنه، فراشباشیِ مظفرالدین میرزا، انتخاب‌شده و سعی شده است تا ذهنیات و افکار دخیل در شکل‌گیری جزئیات و آرایه‌های نمای رو به حیاط بیرونی آن فهمیده شود. برای این منظور از روش آیکونولوژی (شمایل‌شناسی) -که روشی برای خوانش آثار هنری و معماری تاریخی برای فهم معانی نهفته در پس آن‌ها است- برای خوانش نما، و نیز از روش تحلیل محتوای متون برای بهره‌گیری از داده‌های متون تاریخی در ارتباط با نمای مذکور بهره گرفته‌شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، جایگاه فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و تاریخی افراد دخیل در شکل‌گیری نما، افکار و ذهنیات آن‌ها را شکل می‌دادند و - بخشی از- این افکار و ذهنیات در طرح جزئیات و آرایه‌های نما نمود یافته‌اند.

واژگان کلیدی

خوانش نما، خانه‌های قاجاری، افکار و ذهنیات، جزئیات و آرایه‌ها.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری خانم سمیه جلالی میلانی با عنوان «فهم افکار و ذهنیات دخیل در شکل‌گیری جزئیات و آرایه های نمای خانه‌های قاجاری-بررسی موردی نمای خانه سرخه‌ای» به راهنمایی دکتر احد نژادابراهیمی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام می باشد.

* نویسندهٔ مسئول مکاتبات: : ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]

[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

مقدمه

نمای‌های خانه‌های تاریخی را هرچند می‌توان بسته به موقعیتشان واجد ساختار کلی مشخصی دانست، اما این نماها در جزئیات و آرایه‌هایشان متفاوت از هم هستند. به‌عنوان‌نمونه در پژوهشی در باب نمای رو به معبر این خانه‌ها در بخش ورودی - که مشخصاً به مطالعهٔ تعدادی از ورودی‌های خانه‌های قاجاری تهران پرداخته- سه سبک سنتی، تلفیقی و اروپایی برای این بخش معرفی‌شده است که هر یک، ساختار کلی مشخصی دارد و به‌عنوان‌مثال سبک سنتی، مشتمل بر اجزایی چون پیش طاق، طاق‌نما، درگاه، سکو، در، سردر، روزن و غیره است (Ramezan Jamaat and Neyestani 2011). این، در حالی است که جزئیات به‌کاررفته در هریک از ورودی‌ها متفاوت هستند. بر این اساس پرسشی مطرح می‌شود و آن، این است که معمار، سازنده، صاحب‌خانه و یا هر فرد دخیل دیگر در شکل‌گیری نما، چگونه دربارهٔ آن فکر می‌کرده است و چه ذهنیاتی در رابطه با آن داشته است که سرانجام، این افکار و ذهنیات منجر به ساخت نماهایی با شکل و شمایل و مختصاتی مشخص‌شده است. بر همین اساس، این پژوهش بر آن است که از طریق مطالعهٔ یک نمونه نمای خانه مربوط به دورهٔ قاجار، به فهمی از افکار و ذهنیات افراد و گروه‌هایی که در شکل‌گیری جزئیات و آرایه‌های آن نما دخیل بوده‌اند، نزدیک شود. باید توجه داشت که طیف گسترده‌ای از افراد می‌توانند در شکل‌گیری این جزئیات و آرایه‌ها تأثیرگذار باشند؛ افکار و نظرات معمار، کارفرما و یا سازندگان بخش‌های مختلف نما- به‌طور مستقیم- و همچنین نگرش‌ها، باورها و افکار عمومی اجتماعی که نما در بستر آن‌ها شکل‌گرفته است و معمار، سازندگان و کارفرما در بستر آن پرورش‌یافته‌اند- به‌طور غیرمستقیم- می‌تواند این بخش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. بخشی از این افکار و دیدگاه‌ها، همچون خواست‌های مشخص کارفرما و یا اصول طراحی نما به صورتی خودآگاه در فرایند شکل‌گیری نما دخالت می‌یابند که در این پژوهش با واژهٔ «افکار» نامیده خواهند شد؛ درحالی‌که برخی دیگر از این افکار که در لایه‌های عمیق‌تر ذهن جای دارند، به صورتی ناخودآگاه در نما انعکاس می‌یابند که در این پژوهش از آن‌ها با عنوان «ذهنیات» یاد خواهد شد. با تکیه‌بر این موضوع، این پژوهش بر آن است تا مشخصاً افکار و ذهنیات تأثیرگذار بر شکل‌گیری جزئیات و آرایه‌های نمای رو به حیاط بیرونی خانهٔ سرخه‌ای که یکی از خانه‌های قاجاری شهر تبریز است، فهمیده شود. نکتهٔ حائز اهمیت، آن است که فهم افکار و ذهنیات مردمی که درگذشته می‌زیسته‌اند و اکنون وجود ندارند، امر پیچیده‌ای است. این مسئله به‌ویژه دربارهٔ کسانی که در شکل‌گیری آثار معماری در ایران دخیل بوده‌اند، پررنگ‌تر است، زیرا در کل، منابع مکتوبی که بتوان از درون آن‌ها به افکار و ذهنیات این افراد پی برد- اگر وجود هم داشته باشند- اندک هستند. کانوی و رونیش (2005, 31) بر این نظر هستند که بناها خود می‌توانند شاهدی از تاریخ خود در نظر گرفته شوند. قیومی (2009) نیز بناها را یکی از منابع درجهٔ اول مطالعهٔ تاریخ معماری دانسته است. با اتکا بر این پیش‌فرض، برای فهم افکار و ذهنیات شکل‌دهنده به نمای خانهٔ سرخه‌ای، علاوه بر بهره‌گیری از منابع مکتوب تاریخی مرتبط با این موضوع، می‌توان خود نما را مورد خوانش قرار داد و از طریق فهم معانی نهفته در آن، به این افکار و ذهنیات نزدیک شد.

۱. روش پژوهش

این تحقیق به روش تفسیری- تاریخی صورت گرفته است. بر این مبنا ابتدا با بهره‌گیری از گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، مروری بر مفاهیم «ذهنیات» و «افکار» و جایگاه این مفاهیم در مطالعات تاریخی و معماری انجام‌شده است. سپس با انتخاب نمای خانهٔ سرخه‌ای به‌عنوان یک نمونه از

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

نماهای خانه‌های تاریخی، به‌منظور فهم افکار و ذهنیات شکل‌دهنده به آرایه‌ها و جزئیات این نما، ابتدا با استفاده از روش تحلیل محتوای متون، داده‌هایی که بتوانند ترسیم‌کنندهٔ بخشی از این افکار و ذهنیات باشند، استخراج و تحلیل‌شده‌اند و در نهایت، با بهره‌گیری از روش آیکونولوژی[1] که روشی برای خوانش عناصر، فرم‌ها و نقوش واجد معنای قراردادی و یا نمادین در آثار هنر و معماری است، این جزئیات و آرایه‌ها، برای فهم معنای مستتر در آن‌ها مورد خوانش قرارگرفته‌اند.

۲. پیشینهٔ پژوهش

با جستجو در پژوهش‌های فارسی، نمونه‌ای که مشخصاً به بررسی افکار و ذهنیات دخیل در شکل‌گیری نما در معماری تاریخی ایران پرداخته باشد، یافت نشد. باید اشاره کرد که فهم تأثیرات ذهنیات و افکار مردمانی درگذشته، بر شکل‌گیری، ماندگاری و یا از میان رفتن یک پدیده در یک دورهٔ تاریخی خاص، موضوع یکی از رویکردهای شناخته‌شده در حوزهٔ مطالعات تاریخی است که از آن تحت عنوان تاریخ ذهنیت‌ها یاد می‌شود (Burke 2002, 111). این رویکرد در سال‌های اخیر به مطالعات تاریخ معماری ایران نیز راه‌یافته است. به‌عنوان‌مثال تمسکی و اهری (2017) چگونگی تأثیرگذاری متقابل ذهنیت عامهٔ ایرانیان را در باب نهاد اجتماعی و شیوهٔ تجلی کالبدی و فضایی این نهاد در شهر، بررسی کرده‌اند. قره‌بگلو و روحی‌فر (2018) به مطالعهٔ تفاوت‌های تأثیر ذهنیت‌های عامه بر کالبد مسکن در دوران گذشته و حال پرداخته‌اند. همچنین سلطانی و ندیمی (2018) تلاش کرده‌اند تا از طریق مطالعهٔ متون تاریخی، به ذهنیت معمار سنان دربارهٔ معماری دست یابند. از طرف دیگر با توجه به این‌که خوانش خود آثار هنر و معماری تاریخی یکی از روش‌های گردآوری داده برای فهم افکار و ذهنیت‌های دخیل در شکل‌گیری این آثار است، تعدادی از پژوهش‌های تاریخی در این حوزه از روش‌های خوانش آثار، همچون آیکونولوژی بهره می‌برند. در مروری بر پژوهش‌های تاریخ معماری صورت گرفته، با اتکا بر این روش، هرچند در پژوهش‌های فارسی موردی یافت نشد، اما در پژوهش‌های خارجی می‌توان به مواردی اشاره کرد که اتفاقاً نمای یک بنا را موردتوجه قرار داده‌اند. به‌عنوان‌مثال پانوفسکی[2] (1955) با بهره‌گیری ازاین‌روش، به مطالعهٔ دو نما از معماری به نام دومنیکو بکافومی پرداخته و تلاش کرده است تا از طریق چنین مطالعه‌ای بر فضای فکری غالب دوره‌ای که این نماها در آن شکل‌گرفته‌اند، دست یابد؛ فضای فکری که منجر به ظهور سبک شیوه‌گرایی در معماری شده است. مزاتستا[3] (1985) نیز ازاین‌روش برای مطالعهٔ نمای یک‌خانه به‌منظور فهم افکار معمار آن بهره برده است. همچنین به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، کرام[4] (1989) بامطالعهٔ آیکونولوژیکی یک نما تلاش کرده است تا تأثیر جایگاه شخصیتی، اجتماعی و سیاسی کارفرما، و افکار معمار را در ارتباط با چگونگی بازنمایی چنین جایگاهی بر نما توضیح دهد.

۳. مبانی نظری: ذهنیات و افکار

ذهنیت‌ها مفاهیم ذهنی جمعی و ناخودآگاهی هستند که جمع‌های متفاوت در جوامع از واقعیات بیرونی می‌سازند. این جمع‌ها در جریان زندگی روزمرهٔ خود در زیستگاهشان، در مواجههٔ با پدیده‌ها و موضوعات مختلف، شناختی از این پدیده‌ها و موضوعات به دست می‌آورند و در ذهن خود مفاهیمی دربارهٔ آن‌ها می‌سازند. این مفاهیم در طول زمان در اثر تکرار، تبدیل به عادت می‌شوند و ذهنیت‌ها را شکل می‌دهند (Pleßke 2014, 44). به‌این‌ترتیب ذهنیت‌ها طی یک فرایند اجتماعی شدن طولانی‌مدت، به‌صورت جمعی توسعه می‌یابند و به‌صورت فردی بروز پیدا می‌کنند. به این صورت که آن‌ها سبب می‌شوند که افراد در مواجهه با موضوعات مختلف، گرایش به داشتن نگرشی مشخص دربارهٔ آن موضوع داشته باشند و کنش‌ها و رفتارهایشان در ارتباط با آن موضوع، تحت تأثیر قرارگیرد و یا چهارچوبی مشخص پیدا کند (Møller 2004, 134). به عبارتی روشن‌تر، ذهنیت‌ها شبکه‌ای پیچیده از باورها، نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها، گفتمان‌ها، تمایلات، خاطرات، خیالات و غیره... هستند که امکان‌هایی ناخودآگاه را برای رفتارهایی مشخص، فراهم می‌کنند

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

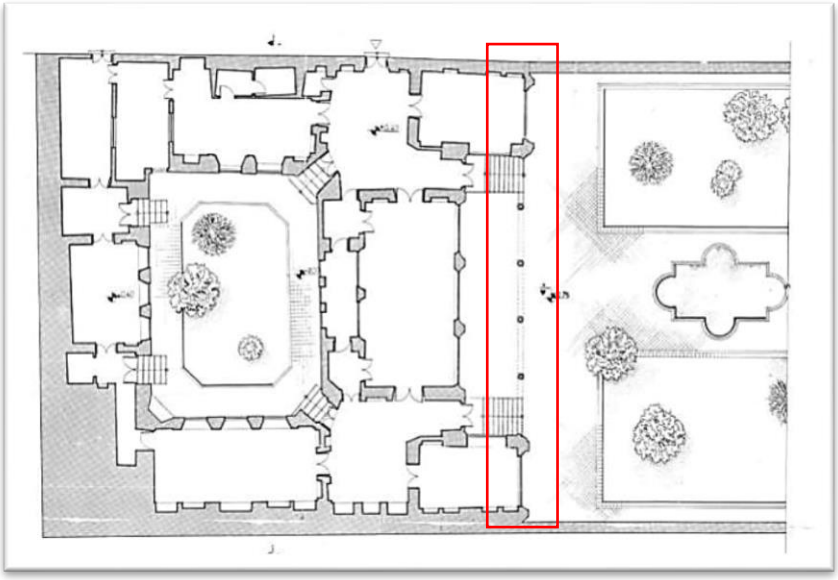
(Pleßke 2014, 48). بدیهی است این رفتارها می‌تواند دربرگیرندهٔ تمامی فعالیت‌ها در حوزهٔ معماری نیز باشد. باید توجه داشت که ذهنیت‌ها هرچند ساختارهایی را برای رفتارهایی مشخص فراهم می‌کنند، اما رفتار را تعیین نمی‌کنند. به‌عبارت‌دیگر ذهنیت‌ها نوعی عاملیت بالقوه هستند (Gudehus 2016). ذهنیت‌ها به‌وسیلهٔ سه مؤلفهٔ زمان، فضا و جمع، تعیین می‌شوند (Pleßke 2014, 72). به‌این معنا که هر دورهٔ زمانی، هر فضای فیزیکی، اجتماعی و ذهنی، و هر جمعی با اشتراکات مشخص، می‌تواند ذهنیت‌های متفاوتی را در افراد شکل دهد. بر این اساس، مردمی که در دورهٔ قاجار، در تبریز می‌زیسته‌اند، ذهنیاتی متفاوت از مردمان مکان‌ها و دوره‌های تاریخی دیگر داشته‌اند. ضمن این‌که در میان خود این افراد، جمع‌هایی با ویژگی‌های مشترک متفاوت را باید واجد ذهنیات متفاوتی دانست. چنین گفته می‌شود که ذهنیت‌ها مرزهای تفکر را تعریف می‌کنند. انسان‌ها در مواجهه با هر پدیده‌ای، چنانچه فراتر از مرزهای ذهنیتشان باشد، آن را غیرقابل‌درک، غیرقابل‌تفکر، غیرقابل‌تصور و حتی غیرممکن می‌یابند. به‌این‌ترتیب ذهنیت‌ها را باید نوعی استانداردسازی تفکر دانست. به‌طوری‌که افکار در سایهٔ ذهنیت‌ها شکل می‌گیرند (Pleßke 2014, 45).

در اینجا باید به این موضوع اشاره کرد که ذهنیت‌ها و افکار، موضوع یکی از رویکردهای مطالعات تاریخی است که در طول قرن اخیر، تحت عنوان «تاریخ ذهنیت‌ها»[5] موردتوجه قرارگرفته است. این رویکرد، بر نگرش‌های مردم عادی نسبت به زندگی‌شان تمرکز دارد. مورخانِ ذهنیت‌ها به رسوم و فهم‌های ضمنی درهم‌رفته با سنت‌های عامه علاقه نشان داده‌اند و توجه خود را از گفتمان‌های متعالی روشن‌فکران به‌سوی گفت‌وشنودهای عوامانهٔ مردم عادی معطوف ساخته‌اند. بر این اساس مورخان ذهنیت‌ها به دنبال تعیین و توصیف ساختارهای عمیق فرهنگ هستند. تصویرسازی‌های ذهنی، خاطره‌های جمعی و فرم‌های زبان‌شناختی که ابعاد جهان ذهنی ما را در چهارچوب قرار می‌دهند (Hutton 1999, 800-801).

در حوزهٔ مطالعات معماری، چنین به نظر می‌رسد که موضوع ذهنیات و افکار از دو رویکرد، موردتوجه هستند. نخست، جایگاه این مفاهیم در فرایند شکل‌گیری اثر معماری و یا روند طراحی و دوم جایگاه آن‌ها در مطالعات تاریخ معماری. محمودی (2005, 33) در قالب رویکرد اول، به سه نوع تفکر دخیل در فرایند طراحی معماری اشاره‌کرده است: اولین مورد، تفکر محتوایی است که بر اساس ذهنیات شخص و به‌طور ناخودآگاه در فرایند طراحی به کاربسته می‌شود؛ دومین مورد، تفکر نقادانه است که نوعی تفکر منطقی همراه با تجزیه‌وتحلیل اطلاعات است و سومین مورد، تفکر خلاقانه است که برای ایجاد و دستیابی به ایده‌های طراحی، مورداستفاده قرار می‌گیرد. به‌این‌ترتیب تفکر دوم و سوم فرآیندی خودآگاه هستند. هرچند در این بررسی تفکرات شخص معمار در فرایند طراحی موردتوجه بوده است، اما به‌هرحال می‌توان این تقسیم‌بندی را به سایر افراد دخیل در فرایند طراحی نیز تعمیم داد. در قالب رویکرد دوم، قیومی و شمس (2013) جایگاه افکار و ذهنیات عامهٔ مردم را در فرایند شکل‌گیری آثار تاریخی معماری موردتوجه قرار داده‌اند. درواقع آن‌ها امکان بهره‌گیری از رویکرد تاریخ ذهنیت‌ها را در پژوهش‌های تاریخ معماری بررسی کرده‌اند. از دیدگاه آنان، عامهٔ مردم در طول تاریخ بناهایی برای خود، سایر مردم و یا حکومت‌ها ساخته‌اند؛ ازاین‌رو نگرش‌ها، افکار و خواست‌های آن‌ها در شکل‌گیری معماری هر دورهٔ تاریخی مؤثر واقع‌شده است و به‌این‌ترتیب مطالعهٔ ذهنیات عامهٔ مردم در یک دورهٔ تاریخی، می‌تواند زوایای جدیدی را از تاریخ معماری آن دوره پیش روی پژوهشگران قرار دهد. باید توجه داشت که دستیابی به افکار و ذهنیات عامهٔ مردم در دوره‌ای مربوط به گذشته، امر پیچیده‌ای است و ازاین‌رو مورخان این رویکرد، نیاز دارند که از منابع متنوع تاریخی برای فهم این افکار و ذهنیات بهره برند.

بر این اساس، در این پژوهش نیز با اتکا به هر دو رویکرد یادشده، ضمن در نظر داشتن مفاهیم ذهنی خودآگاه تحت عنوان افکار و مفاهیم ذهنی ناخودآگاه تحت عنوان ذهنیات، در ادامه تلاش شده است تا افکار و ذهنیات دخیل در شکل‌گیری نمای خانهٔ سرخه‌ای، ابتدا با بهره‌گیری از

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]



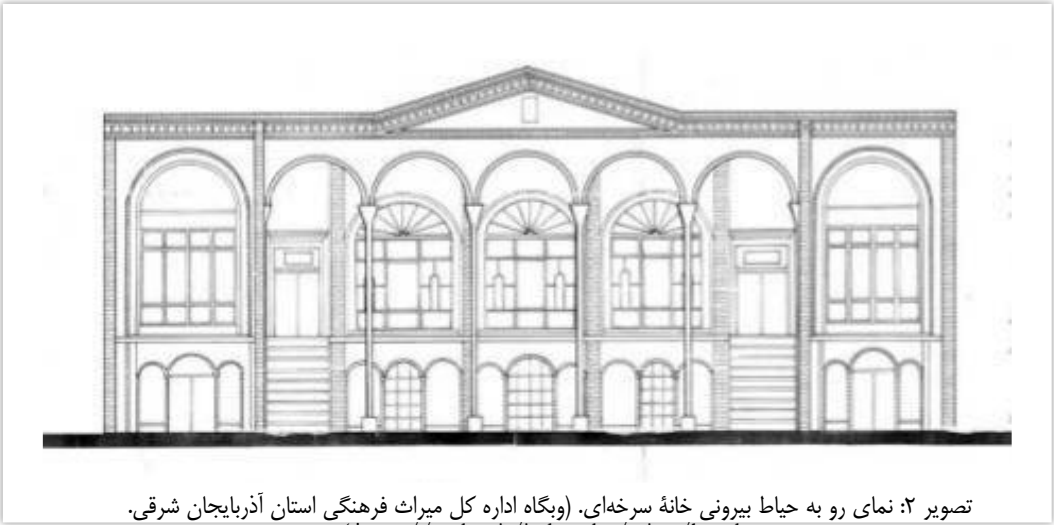
تصویر ۱: جانمایی نمای مورد مطالعه در پلان طبقهٔ همکف خانهٔ سرخه‌ای. (وبگاه اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی.
(https://eachto.ir/index.php/miras/banaha

Fig. 1: Location of the Façade as the case study in ground floor Plan of Sorkhehee house.
https://eachto.ir/index.php/miras/banaha

تحلیل محتوای متون تاریخی مرتبط با این موضوع و سپس از طریق خوانش آیکونولوژیک خود این نما فهمیده شود.

٤. معرفی خانهٔ سرخه‌ای

خانهٔ سرخه‌ای در محلهٔ تاریخی سرخاب تبریز واقع‌شده است و دارای دو بخش اندرونی و بیرونی است که نمای رو به حیاط بیرونی در این پژوهش مدنظر قرارگرفته است (تصاویر ۱ تا۳). از معمار و یا سازندگان بخش‌های مختلف آن اطلاع خاصی در دست نیست. اما اسناد، گویای آن هستند که خانه برای مهدی خان آصف‌السلطنه ساخته‌شده است. او پسر حاج محمدباقر خان قاجار دولو بیگلربیگی، و پدر ولی خان آصف‌السلطنه- داماد مظفرالدین‌شاه- بوده است. فردی که



تصویر ۲: نمای رو به حیاط بیرونی خانهٔ سرخه‌ای. (وبگاه اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی.
(https://eachto.ir/index.php/miras/banaha

Fig. 2: The façade of Sorkhehee house facing Birooni Yard of the hose.
https://eachto.ir/index.php/miras/banaha

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]



تصویر ۳: نمای رو به حیاط بیرونی خانهٔ سرخه‌ای، پیش از آغاز عملیات مرمت، که در آن اصالت گچبری‌های نما مشخص است (آرشیو ادارهٔ کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی).

Fig. 3: A picture of the Façade taken before restoration in which the originality of moldings is obvious. (From archive Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of East Azarbaijan.)

بیشتر زندگانی‌اش در آذربایجان و در دستگاه مظفرالدین میرزا ولیعهد گذشت؛ از سال ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۹ قمری فراش‌باشی ولیعهد و از سال ۱۳۰۹ فراش‌باشی محمدعلی میرزا – ولیعهد و پسر بزرگ و ارشد مظفر الدین‌شاه – بوده و در سال ۱۳۱۱ قمری ملقب به آصف‌السلطنه شده است. او در زمان ولیعهدی محمدعلی میرزا درگذشته است (Bamdad 2008, 303-304).

۵. فهم افکار و ذهنیات دخیل در شکل‌گیری آرایه‌ها و جزئیات نمای خانهٔ سرخه‌ای

۵-۱. فهم افکار و ذهنیات با بهره‌گیری از متون تاریخی و تحلیل محتوای آن‌ها

با توجه به نبودِ متون تاریخی‌ای که مشخصاً در آن به خانهٔ سرخه‌ای اشاره‌شده باشد، در ادامه، ضمن مروری بر منابع مکتوب دورهٔ قاجار، داده‌هایی در ارتباط با افکار و ذهنیات افراد و گروه‌هایی که می‌توانسته به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نمای خانهٔ سرخه‌ای را متأثر سازد، استخراج‌شده و مورد تحلیل و تفسیر قرار خواهد گرفت. بدیهی است دایرهٔ چنین داده‌هایی گسترده بوده و پراکندگی آن‌ها، مطالعه‌ای جامع را می‌طلبد که فراتر از حدود این نوشتار است.

ازآنجایی‌که تنها اطلاعات در دست از افراد دخیل در شکل‌گیری این بنا، این است که صاحب اولیهٔ آن، مهدی خان آصف‌السلطنه، فراش‌باشی مظفرالدین میرزا بوده است و هیچ اطلاعات دیگری از معمار، سایر سازندگان و یا افراد دخیل در شکل‌گیری این نما در منابع تاریخی قابل بازیابی نیست، بنابراین در این پژوهش داده‌هایی درزمینهٔ منصب حکومتی فراش‌باشی‌گری و خانه‌های فراش‌باشی‌ها مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. درواقع، با توجه به این‌که اطلاعات چندانی از زندگی شخصی و حتی زندگی اجتماعی مهدی خان آصف‌السلطنه، در منابع تاریخی نمی‌توان یافت تا بتوان از این طریق به افکار و ذهنیات او دست پیدا کرد، ناگزیر ویژگی‌ها، افکار و ذهنیات افراد دارندهٔ منصب حکومتی فراش‌باشی‌گری و ویژگی‌های خانه‌های آن‌ها مورد جستجو قرار خواهند گرفت. چراکه چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، یکی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده به افکار و ذهنیات افراد، جمع‌هایی است که این افراد عضوی از آن‌ها هستند. در منابع تاریخی مربوط به دورهٔ قاجار، اشارات بسیاری بر منصب حکومتی فراش‌باشی‌گری، چه در قالب فردی مشخص و چه به‌صورت عام، مشاهده می‌شود. این متون می‌توانند اطلاعاتی را در ارتباط با اشتراکات زندگی روزمرهٔ این قشر اجتماعی، ویژگی‌های عمومی شخصیتی آن‌ها و برخی موضوعات پیرامون معماری خانه‌های آن‌ها در اختیار قرار دهند، تا بتوان از میان آن‌ها به افکار و ذهنیات مشترک این قشر و تأثیر آن

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

بر خانه‌های آن‌ها دست‌یافت.

منصب فراش‌باشی‌گری: شهری‌باف (2004, 100-101) فراش و فراش‌باشی را افرادی معرفی کرده است که قبل از گزمه‌ها و شبگردهای زمان مشروطه و مأموران انتظامی بعدازآن، انتظامات شهرها و رتق‌وفتق امور و بگیروببند مردم به عهدهٔ آن‌ها بود. مستوفی پس از معرفی فراش به‌عنوان کسی که مجری تنبیهات بدنی در دولت و یا در خانه‌های اعیان و رجال بوده است، آن‌ها را نمایندهٔ قهر سلطنت استبدادی دانسته که گذشته از سقط‌کاری خانگی مانند جاروب کردن و آب‌پاشی و چادر زدن، تمام اجرائیات دولتی از نامه‌رسانی و وصول مالیات گرفته تا اعدام را بر عهده داشته‌اند. بر این اساس، فراش‌باشی کسی بوده که همه گونه فراش، تحت امر و در دسترس او بوده‌اند. مستوفی (2005, 405) همچنین فراش‌باشی و فراشان را افرادی معرفی کرده است که حاکمان، وظیفهٔ خود را در باب ختم دعاوی حقوقی و جزایی افراد و تنظیمات شهری یا به‌اصطلاح امروز شهرداری، از طریق آن‌ها انجام می‌دادند. او اشاره‌کرده است که نرخ مایحتاج عمومی مانند نان و گوشت و تره‌بار را فراش‌باشی و فراشان به‌وسیلهٔ جارچی اعلام می‌کردند (2005, 435).

شهری‌باف (2004, 101-102) در توصیفات خود از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری فراش‌ها، از آن‌ها با عنوان مطلق‌العنان‌ها، صاحب‌اختیارها و خدایان ریزودرشتی یاد می‌کند که مشیت افراد بستگی به قضا و قدر ایشان پیدا می‌نمود. او بر خشونت طبع و رکاکت کلام آن‌ها اشاره‌کرده و سپس در توصیف لباس‌های آن‌ها کلاه‌های نمدی‌شان را موردتوجه قرار داده که نشان شیر و خورشید و شمشیر زینت‌بخش آن بوده است؛ نشانی که از دید شهری‌باف تبعیت، درندگی، سوزندگی و برندگی فراشان را پشتیبانی می‌کرده است. او سپس بر فرد مشخصی در سِمَت فراش‌باشی اشاره‌کرده که از فراشی به این سمت رسیده بود. با مروری در منابع تاریخی دورهٔ قاجار همچون سفرنامه‌ها، گزارش‌ها، زندگی‌نامه‌ها و... نمونه‌های زیادی از متون را می‌توان یافت که از محتوای آن، ویژگی‌های خلقی و رفتاری یادشده برای فراش‌باشی‌ها نیز قابل استنباط است. به‌عنوان‌مثال، ادوارد براون در سفرنامهٔ خود به فردی بانام حاجی قنبر اشاره‌کرده که گویا داروغه یا فراش‌باشی بوده است. او حاجی قنبر را فردی معرفی کرده که بااینکه خود، از ارتکاب منهیات باک نداشته، دیگران را که مرتکب اعمال خلاف شرع می‌شدند، به‌سختی تنبیه می‌کرده است (Javadi Yehganeh and zadghannad 2015, 666). زین‌العابدین مراغه‌ای (2006, 97) در سفرنامه‌اش، به فردی بانام اسدبیگ اشاره‌کرده که فراش‌باشی وزیر جنگ بوده و به‌فرمان وزیر او را مورد ضرب و شتم قرار داده است. ویلز (2009, 234) در سفرنامهٔ خود به فراش‌باشی‌ای اشاره‌کرده که به هنگام اجرای حکم اعدام جمعی از سارقین و راهزنان، از یکی از آنان رشوه گرفته، او را رها کرده و یک باربر مظلوم را به‌جای او قرار داده است. باید به این نکته توجه داشت که هرچند در غالب این متون، به فرد خاصی در سمت فراش‌باشی اشاره‌شده، و ویژگی‌های یک فرد را لزوماً نمی‌توان به همهٔ فراش‌باشی‌ها نسبت داد، اما از تعدد و تکرار چنین ویژگی‌هایی می‌توان این امر را محتمل دانست که برخی از خلقیات و رفتارها، اقتضای شغلی فراش‌باشی‌گری و از ملزومات انتخاب یک فرد به سمت فراش‌باشی بوده است. بر این اساس ضمن مطالعهٔ متون مربوط به پنج منبع مکتوب تاریخی نوشته‌شده مربوط به دوران قاجار شامل کتاب‌های «شرح زندگانی من» (Mostofi 2005)، «مرآت الوقایع مظفری» (Sepehr 2008)، «وقایع اتفاقیه» (Saidi Sirjan 2005)، «افضل‌التواریخ» (Afzal-ol-Malek 1982) و «تاریخ لرستان روزگار قاجار از تأسیس تا کودتای ۱۲۹۹» (Valizadeh Mojezi 2001) بخش‌هایی از آن‌ها که به نحوی به منصب فراش‌باشی‌گری مرتبط هستند، استخراج شد تا بتوان از میان آن‌ها تصویر روشن‌تری از ویژگی‌های شخصیتی صاحبان این منصب به دست آورد. از جمع‌بندی و تحلیل محتوای این متون- که برای جلوگیری از اطناب سخن، از آوردن آن‌ها صرف‌نظر شده است- چنین برمی‌آید که به‌احتمال زیاد، فراش‌باشی‌ها به اقتضای شغل خود، دارای روحیهٔ برتری‌جویی، ابراز چیرگی بر سایرین، و دارای آمادگی برای ابراز و یا مشاهدهٔ رفتارهای خشونت‌آمیز

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

بوده‌اند. آن‌ها همچنین به‌واسطهٔ موقعیت اجتماعی خود، مطیع حاکمان و اربابان خود بودند، هرچند در مواردی، از آنان نافرمانی و خودسرانه رفتار می‌کردند. در چنین جمع‌بندی‌ای نباید این نکته را ازنظر دور داشت که آنچه در این متون آمده است، عموماً دربردارندهٔ وجههٔ اجتماعی این گروه از صاحب‌منصبان است، این در حالی است که خانه، مکانی برای گذران بُعد شخصی زندگی افراد است و ممکن است معماریِ کالبد آن از این بُعد شخصی، بیشتر از بُعد اجتماعی متأثر شود. بااین‌حال مدنظر قرار دادن وجههٔ اجتماعی فراش‌باشی‌ها در این مطالعه تا حد زیادی اجتناب‌ناپذیر بوده است، زیرا در منابع موجود، عموماً این بُعد از زندگی و روحیات آنان انعکاس یافته است.

خانهٔ فراش‌باشی: از طرف دیگر، در برخی متون تاریخی به اقتضای موقعیت، به خانهٔ فراش‌باشی اشاره‌هایی شده که از محتوای آن‌ها به نظر می‌رسد این خانه‌ها در مواردی دربردارندهٔ کارکردی اجتماعی نیز بوده‌اند. در ادامه، به این متون اشاره می‌شود:

در کتاب حقایق‌الاخبار ناصری آمده است که «امیرزاده مؤید الدوله... از حاجی زال‌بیگ نام، که یکی از ارباب تجارت هندوستان و ملک صیام است... چند دانه چراغ بلور عاریه طلبیده، حاجی مذکور مضایقه نمود... برحسب اتفاق از ولد مشارالیه که در بمبئی بود، جسارتی مسموع افتاد... حاجی... حسب‌الامر در منزل فراش‌باشی محبوس گشت» (Khormouji 1905, 291-292). در میان گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران نیز نمونه‌هایی از محبوس کردن افراد در خانهٔ فراش‌باشی آمده است که برخی از آن‌ها از این‌قرار هستند: «سرکار والا احتشام الدوله... چوب زیادی به کهندل خان (پسر علی‌قلی‌خان قشقایی) می‌زنند... بعد او را می‌برند در انبار حبس می‌نمایند. حاجی نصیرالملک توسط کرده او را از انبار بیرون آوردند، در منزل فراش‌باشی حبس است» (Saidi Sirjani 2005, 318). «حکومت میرآخور ایلخانی قشقایی را در منزل فراش‌باشی نواب جلال الدوله حبس کرده... او را چوب زیادی زده‌اند که مشرف‌به موت است» (Saidi Sirjani 2005, 195). «میرزا آقا سید...که پیش‌تر نوکر مرحوم مشیرالملک بود، ورشکسته است... نواب والا احتشام الدوله فراش فرستادند از خانه‌اش او را گرفته، بردند در منزل فراش‌باشی نگاه داشته‌اند که مال مردم را بدهد و برود. حال یک روز و یک‌شب است که حبس است» (Saidi Sirjani 2005, 310). «عبدالله خان صولت‌السلطنه (ایل‌بیگی قدیم قشقایی) کاغذی به اسم اسعدالسلطنه به حکومت داده‌اند که در آن خیلی از حکومت بد نوشته. حکومت هم می‌فرستند او را می‌آورند در محبس حکومتی زنجیر و کند می‌نمایند. بعد از یک روز و یک‌شب مشارالیه را از محبس و زیر زنجیر بیرون می‌آورند، در منزل فراش‌باشی حبس می‌نمایند... (سپس) او را ازآنجا برده در منزل افخم‌الملک حبس کرده‌اند» (Saidi Sirjani 2005, 572-573). از مجموعهٔ محتوای این متون، چنین برداشت می‌شود که خانهٔ فراش‌باشی در مواقع لزوم مکانی برای حبس موقت برخی از افراد صاحب‌منصب بوده است که محبوس نمودنشان را در محبس‌های حکومتی جایز نمی‌دانسته‌اند. بااین‌حال، ظاهراً حبس کردن برخی افراد صاحب‌منصب را در خانهٔ فراش‌باشی نیز چندان صحیح نمی‌دیدند و آن‌ها را به خانهٔ برخی دیگر از افراد حکومتی منتقل می‌کردند. به‌عبارت‌دیگر به نظر می‌رسد هرچند خانهٔ فراش‌باشی مکانی برای حبس موقت برخی صاحب‌منصبانِ مجرم شناخته‌شده، جدای از سایر مجرمان – به جهت حفظ شأن و احترامشان– بوده است، اما به‌هرتقدیر با مجرمان گرفتار در این مکان نیز گاهی با قهر و غضب رفتار می‌شده است.

در میان متون تاریخی، البته کارکردهای دیگری نیز برای خانهٔ فراش‌باشی ذکر شده است؛ نمونه‌ای از این کارکردها بست‌نشین[۶] است: «مستوفیان و جمعی دیگر که از حکومت‌های سابق مواجب و تخفیف داشته‌اند و این حکومت آن‌ها را مقطوع کرده، رفته‌اند در منزل فراش‌باشی بست نشسته‌اند» (Saidi Sirjani 2005, 409). همچنین ادوارد میتفورد در سفرنامهٔ خود به اقامت در خانهٔ فراش‌باشی اللهیارخان آصف‌الدوله در دوران ناخوشی‌اش اشاره‌کرده است: «فراش‌باشی و برادرش در مدت ناخوشی من از من

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

جدول ۱: جمع‌بندی از تحلیل محتوای متون تاریخی دربارهٔ منصب فراش‌باشی‌گری و خانهٔ فراش‌باشی‌ها
Table.1: Sum of the data collected from content analysis of historical texts about Farrashbashigari position and the houses of the people appointed for this governmental position

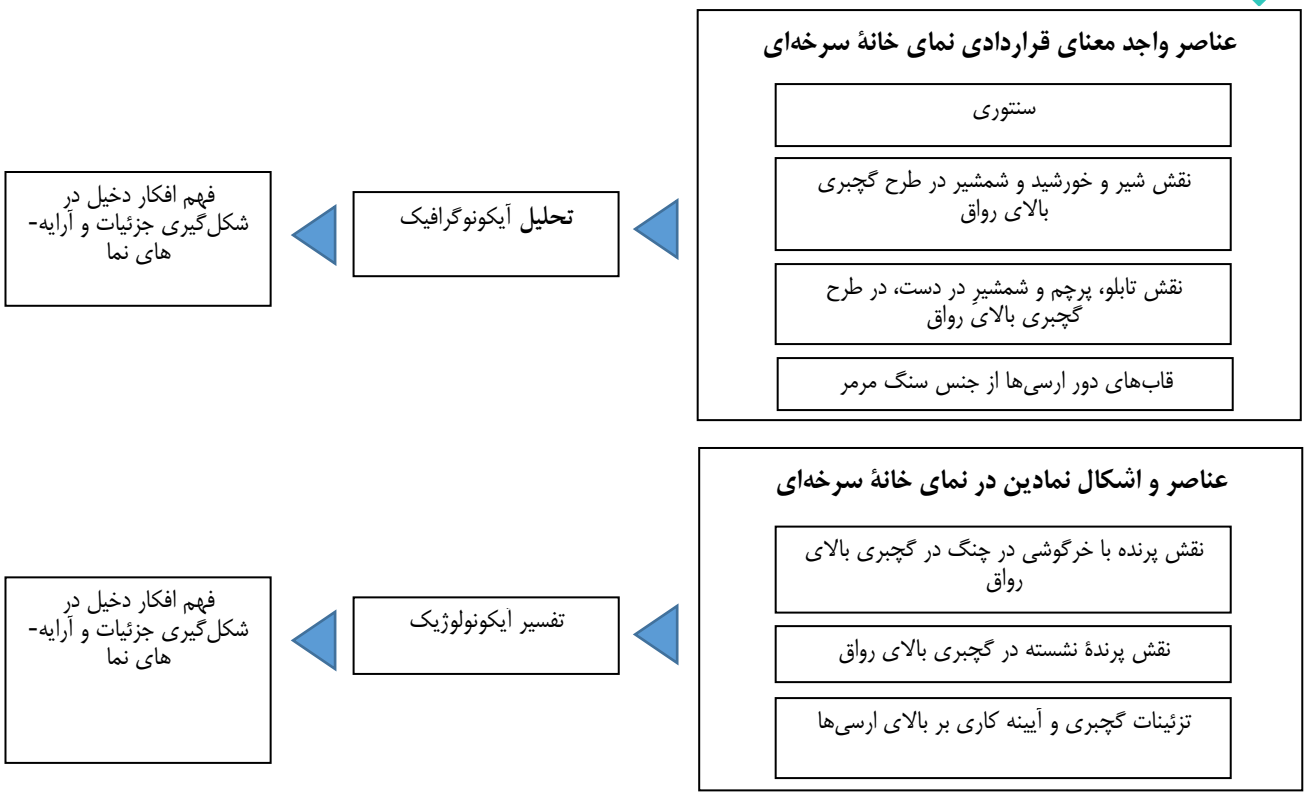
عادات و ویژگی‌های مشترک ذکرشده برای فراش‌باشی‌ها در منابع تاریخی	برتری‌جویی، ابراز چیرگی بر سایرین، دارای آمادگی برای ابراز و یا مشاهدهٔ رفتارهای خشونت‌آمیز، مطیع حاکمان و اربابان خود به‌واسطهٔ موقعیت اجتماعی‌شان و در مواردی نافرمانی از آن‌ها و ابراز رفتارهای خودسرانه	(Mostofi 2005, 16,133,296,389,336)، (Sepehr 2008, 133, 252, 1059) (Saidi Sirjani 2005, 22, 50, 93, 108, 115, 219, 292) (Afzal-ol-malek 1982, 38, 123) (Valizadeh Mojezi 2001, 136, 206, 211, 213, 219, 240)
کارکردهای ذکرشده برای خانهٔ فراش‌باشی در منابع مکتوب تاریخی غیر از کارکرد سکونت	مکانی برای حبس موقت برخی صاحب‌منصبانِ مجرم شناخته‌شده، جدای از سایر مجرمان- مکانی برای اقامت و پذیرایی از مهمانان صاحب‌منصب خارجی- مکانی برای برگزاری میهمانی‌های مفصل برای افراد صاحب‌منصب و شناخته‌شده- مکانی برای بست‌نشینی	(Saidi Sirjani 2005, 318, 195, 572, 409) (Mahmoud 1999, 479)

خوب پذیرایی کردند... اگر در خانهٔ خودم هم بودم بهتر از این به من توجه نمی‌کردند». او همچنین به رفت‌وآمد اشخاص متعدد در خانهٔ فراش‌باشی، برگزاری میهمانی‌های مفصل و جمع شدن عدهٔ زیادی از افراد در آنجا در مدت اقامتش در این خانه اشاره‌کرده است (Mahmoud 1999, 479). با چنین توصیفاتی، به نظر می‌رسد که خانهٔ صاحب‌منصبان دورهٔ قاجار و به‌طور مشخص خانهٔ فراش‌باشی‌ها دربردارندهٔ هر دو بُعد شخصی و اجتماعی زندگی آن‌ها بوده است و ازاین‌رو محتمل است که پاره‌ای از ویژگی‌های کالبدی آن متأثر از بُعد اجتماعی زندگی آن‌ها نیز بوده باشد. جدول ۱ جمع‌بندی‌ای است ازآنچه از تحلیل محتوای متون تاریخی دربارهٔ منصب فراش‌باشی‌گری و خانهٔ فراش‌باشی به‌دست‌آمده است.

۵-۲. فهم افکار و ذهنیات دخیل در شکل‌گیری آرایه‌ها و جزئیات نمای خانهٔ سرخه‌ای با بهره‌گیری از خوانش آیکونولوژیک این نما

روش خوانش آیکونولوژیک، روشی است که به مضمون یا معنای آثار هنری در تقابل با فرم آن می‌پردازد و به جهت توجه به زمان و مکان آفرینش اثر و فرهنگ رایج در آن زمان و مکان و خواست‌های گذشتگان، روش مناسبی برای فهم افکار و ذهنیات شکل‌دهنده به آثار معماری است. این روش، به تحلیل و تفسیر آن دسته از اشکال، فرم‌ها و عناصری در اثر می‌پردازد که واجد معنا است. ازاین‌رو، پس از گذر از مرحلهٔ «توصیف پیشاآیکونوگرافیک»[۷] که صرفاً توصیف ویژگی‌های شکلی و بیانی اثر است، به دو مرحلهٔ «تحلیل آیکونوگرافیک»[۸] و «تفسیر آیکونولوژیک»[۹] می‌رسد. تحلیل آیکونوگرافیک به دنبال تحلیل اشکال و فرم‌هایی در اثر است که واجد معنای قراردادی هستند و آفرینندهٔ اثر به‌صورت آگاهانه تحت تأثیر آشنایی با قراردادهای معنایی موجود در فرهنگ زمان و مکانی که در آن رشد یافته، آن را در اثر گنجانده است. به‌این‌ترتیب، چنین تحلیلی از طریق مطالعهٔ منابع مکتوب مربوط به آن زمان و مکان‌که انعکاس‌دهندهٔ این قراردادهای معنایی است، امکان‌پذیر است. از طرف دیگر تفسیر آیکونولوژیک به دنبال تفسیر نقوش، اشکال و فرم‌های نمادینی است که هنرمند، ناخودآگاه و تحت تأثیر جهان‌بینی رایجی که در فرهنگ و زمانه‌اش وجود داشته است، در اثر به‌کاربرده است. چنین تفسیری البته نیازمند مطالعاتی گسترده‌تر در حوزهٔ تاریخ اجتماعی، اسطوره‌شناسی، مطالعات فرهنگی و غیره است (Panofsky 2016, 35). بر این اساس با تحلیل آیکونوگرافیک بخش‌هایی از اثر، می‌توان به افکار، و با تفسیر آیکونولوژیک بخش‌هایی دیگر، می‌توان به ذهنیات آفرینندهٔ آن و یا سایر افراد دخیل در شکل‌گیری اثر، دست‌یافت. با اتکا بر تقسیمات این روش، در بررسی اولیهٔ نمای خانهٔ سرخه‌ای، فرم‌ها و اشکال واجد معانی قراردادی و یا نمادین در جزئیات و آرایه‌های این نما را می‌توان در قالب

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]



تصویر ۴: تفکیک عناصر و اشکال واجد معنای قراردادی و یا نمادین نمای خانهٔ سرخه‌ای

Fig. 4: Differentiating the forms and elements with conventional or symbolic meanings applied in façade of Sorkhehee house

نمودار ۱ تفکیک کرد و سپس یک‌به‌یک به تحلیل یا تفسیر آن‌ها پرداخت.

۵-۲-۱. تحلیل آیکونوگرافیک آرایه‌ها و جزئیات نمای خانهٔ سرخه‌ای

به‌منظور تحلیل آیکونوگرافیک هر یک از موارد یادشده در نمودار ۱، در ادامه، در کنار تصویر آن‌ها، شواهد و مستندات لازم برای فرایند تحلیل هر یک‌دریک ستون، و نتیجه‌گیری در ستونی دیگر ارائه‌شده است.

۵-۲-۱-۱. سنتوری

	شواهد و مستندات از منابع تاریخی	نتیجهٔ تحلیل آیکونوگرافیک
 تصویر ۵: سنتوری بالای نما Fig. 5: Pediment on top of the façade.	منتظر و همکاران (2019)، سنتوری را یکی از عناصر معماری نئوکلاسیک روسیه دانسته‌اند که در معماری دورهٔ قاجار نمود یافته است. آلمانی (1956, 670) در سفرنامهٔ خود به صاحب یک قهوه‌خانه اشاره‌کرده که برای اثبات سفرهایش به کشورهای خارجی، دستور داده تا لوکوموتیوی را بر دیوار قهوه‌خانه نقاشی کنند. چنان‌که بررسی شد، این احتمال وجود دارد که فراش‌باشی‌ها به جهت منصب اجتماعی خود با خارجیان در ارتباط بوده‌اند و آشنایی اولیه‌ای با فرم سنتوری، و فرهنگ و معماری‌ای که برآمده از آن است، داشتند.	به نظر می‌رسد فرم تیز گوشهٔ بالای نما، شبیه‌سازی اولیه و نسبتاً محافظه‌کارانه‌ای از فرم سنتوری در معماری کلاسیک غرب باشد. محتمل است که این فرم در ذهن معماران ایرانی و تعدادی از کارفرمایان آن‌ها نمادی از دنیای جدید، ناآشنا و پرجاذبهٔ غرب بوده است و استفاده از آن در نمای خانه نشان از روی نسبتاً گشادهٔ صاحب‌خانه به این دنیای جدید دارد.

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

۵-۲-۱-۲. نقش شیر و خورشید و شمشیر در طرح گچ‌بری بالای رواق

	شواهد و مستندات از منابع تاریخی	نتیجهٔ تحلیل آیکونوگرافیک
 تصویر ۶ نقش شیر و خورشید و شمشیر در طرح گچبری رواق Fig. 6: Lion, dun and Sword image used for molding pattern of the porch	در دوران صفویه، این نقش به‌عنوان مظهری از دو رکن جامعه یعنی حکومت و مذهب شناخته‌شده است (Najmabadi 2005, 69). ذکا (1965) نقش خورشید را- در دورهٔ صفویه- نشان‌گر نظام سال و ماه خورشیدی و نقش شیر را اشاره به امام علی(ع) دانسته است. شاپور شهبازی شیر را نمادی از امام علی(ع) و خورشید را نمادی از انوار الهی دانسته است که شاهان صفوی از ترکیب این دو نقش به‌منظور اشاره بر مشروعیت حکمرانی‌شان با توجه به نسبت دادن خود به امام چهارم شیعیان، بهره برده‌اند. نجم‌آبادی (2005, 69) معتقد است که در دورهٔ قاجار جنبهٔ مذهبی و شیعی حکومت و شاهان ایران کمرنگ شده و ازاین‌رو تفسیر مذهبی شیر و خورشید جایش را به تفسیری ملی‌گرایانه داده است. او خورشید را در این دوره، استعاره از شاه قاجار و شمشیر را استعاره از پهلوانان و دلاوران اسطوره‌ای ایرانی برگرفته از شاهنامهٔ فردوسی دانسته است. چنان‌که پیش‌تر بررسی شد، نقش شیر و خورشید و شمشیر بر روی کلاه رسمی فراشان در دورهٔ قاجار وجود داشته است.	صاحب‌خانه و شاید حتی معمار، نمای رو به حیاط بیرونی خانه را، ملزم به نمایاندن تفکرات ملی‌گرایانه می‌دانسته‌اند و نشان مذکور را در نمای خانه به‌عنوان نمادی قراردادی از جایگاه و منصب سیاسی صاحب‌خانه در حکومت ایران قاجاری، آگاهانه به کار بسته‌اند.

۵-۲-۱-۳. نقش تابلو، پرچم و شمشیرِ در دست، در طرح گچ‌بری بالای رواق

	شواهد و مستندات از منابع تاریخی	نتیجهٔ تحلیل آیکونوگرافیک
 تصویر ۷: این نقش که در دو سمت هر یک از قوس‌های رواق تکرار شده است، عبارت است از تابلو- یا قابی- با نقش گل در داخلش، که در هر یک از دو سمت آن دست‌هایی ادوات نظامی همچون پرچم و شمشیر را گرفته‌اند. Fig. 7: this image which has repeated on both sides of porch arches, is composed of patterns of flowers inside a frame and two hands holding military equipment such as flags and swords.	شمشیر: پولاک به علاقهٔ ایرانی‌ها به انواع اسلحه، باهدف زینت و کارهای خانگی اشاره‌کرده است (Polak 1989, 115). در نظر ایرانی‌ها اسب و شمشیر کنایه از مرد آزاده است و در بیشتر آداب و سنن ایرانی وجود دارند (Polak 1989, 337-338). درویل (1991, 167) به اعطای شمشیر از سوی فتحعلی شاه به یک سفیر و اعطای شمشیرهایی ساخت انگلیس از سوی ژنرال ملکم به ولیعهد- عباس میرزا- اشاره‌کرده است (276). تصویر شمشیر بر پرچم‌های قشون ایرانی در دوران صفویه، اشاره به ذوالفقار حضرت علی(ع) و نمادی از حکومت شیعی تلقی شده است (shapur shahbazi). در دورهٔ قاجار فراشان موظف بودند به هنگام انجام‌وظیفه شمشیر بیاویزند (Sepehr 2008, 232). با توجه به انحنای شمشیرهای دوره قاجار (Rayatizadeh and Fazel 2012) شمشیر در این گچ‌بری، به فرم شمشیرهای اروپاییان نزدیک است. پرچم: در منابع تاریخی چند کارکرد برای پرچم در دوره‌های تاریخی گذشتهٔ ایران یافت می‌شود. ۱. کارکرد آن به‌عنوان پرچم ملی ایران در مناسبات سیاسی با	به نظر می‌رسد این طرح تداعی‌کنندهٔ ارتباطات و مراودات با دولت‌های خارجی بر پایهٔ مسائل نظامی و سیاسی باشد. گویی تابلوی نقاشی به‌عنوان نوعی واسطه، ارتباط دو طرف را درزمینهٔ مسائل سیاسی و نظامی تسهیل می‌کند. این احتمال وجود دارد که صاحب‌خانهٔ سرخه‌ای و معمار خانهٔ او، در گزینش نقوش برای رواقِ نما، طرحی را برگزیده باشند که برای مراجعین احتمالی به این خانه و مخاطبین نما - اعم از صاحب‌منصبان ایرانی و خارجی- نمادی از جایگاه اجتماعی او و مناسبات وی و حکومت متبوعش با دولت‌های خارجی باشد.

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

	دولت‌های خارجی[10]، ۲. کارکرد آن در جنگ‌ها و فعالیت‌های نظامی به‌منظور اعلام هویت قشون[11] ۳. کارکردش در سفرهای شاهی برای نمایش شکوه و جبروت سلطنتی کاروان[12] ۴. کارکردش به‌عنوان علم‌های عزاداری ماه محرم (shapur shahbazi). تابلو: پولاک (1989, 295) اظهار داشته است که یکی از هدایای اروپاییان به هنگام دیدارشان با مقامات ایرانی، تابلوهای نقاشی هستند. در مطالعات در باب منصب فراش‌باشی‌گری در منابع تاریخی به مواردی از رفت‌وآمدهای خارجیان به خانهٔ فراش‌باشی‌ها اشاره شد.	

۵-۲-۱-٤. قاب‌های دور ارسی‌ها از جنس سنگ مرمر

	شواهد و مستندات از منابع تاریخی	نتیجهٔ تحلیل آیکونوگرافیک
 تصویر ۸: سنگ مرمر دور پنجره‌ها و تزئینات گچبری و آیینه کاری بالای آن‌ها Fig. 8: Marble stone around windows and moldings and mirror works above them	نادرمیرزا (2014, 174-176) به یک معدن سنگ مرمر در نزدیکی شهر تبریز اشاره‌کرده که در نیمهٔ دوم قرن ۱۳ ه.ق، قطعات بزرگ سنگ از این معدن استخراج نمی‌کنند، چراکه مردم استطاعت خرید آن را برای استفاده در بناهایشان ندارند و صرفاً قطعات کوچکی از آن، برای روشنایی گرمابه‌ها و کارخانه‌های چاپ استخراج می‌شود. او همچنین به نبود استاد حجار در تبریز برای کار روی این سنگ اشاره‌کرده است. در سایر خانه‌های قاجاری تبریز مشابه چنین استفاده‌ای از سنگ مرمر، مشاهده نشد. صاحب‌خانهٔ سرخه‌ای فردی صاحب‌منصب بوده است.	به نظر می‌رسد که در دورهٔ قاجار بهره‌گیری از سنگ مرمر در بخش‌هایی از بنا، نشان‌گر وضعیت اقتصادی مطلوب و موقعیت اجتماعی مالک بنا بوده باشد. ممکن است که صاحب‌خانهٔ سرخه‌ای به دلیل جایگاه اجتماعی خود، برای متمایز ساختن نمای خانهٔ خود از معماری معمول در تبریز و نزدیک کردن آن به معماری بناهای حکومتی، امر بر استفاده از سنگ مرمر در نما نموده باشد.

۵-۲. تفسیر آیکونولوژیک نمای خانهٔ سرخه‌ای

به‌منظور تفسیر آیکونولوژیک هر یک از موارد یادشده در نمودار۱، در ادامه در کنار تصویر آن‌ها، شواهد و مستندات لازم برای فرایند تفسیر هر یک دریک ستون، و نتیجه‌گیری در ستونی دیگر ارائه‌شده است.

۵-۲-۱. نقش پرنده با خرگوشی در چنگ در گچبری بالای رواق

	شواهد و مستندات از منابع تاریخی	نتیجهٔ تفسیر آیکونولوژیک
 تصویر ۹: نقش پرنده با خرگوشی در چنگ در گچبری رواق Fig. 9: Pattern of a bird with a rabbit in its claws, in moldings on top of the porch arch.	نوع پرنده در این گچبری به‌وضوح مشخص نیست. اما به‌هرحال می‌توان مطمئن بود که این پرنده، پرنده‌ای شکاری است. پرندگان شکاری همچون عقاب، باز و یا شاهین در منابع ایرانی جزو پرندگان اساطیری دانسته شده و برای آن‌ها معانی‌ای چون تجلی ایزدان (Gholizadeh 2014, 163)، و یا پادشاه پرندگان(Qadamgahi 2004, 108) نسبت داده می‌شود. در منابع ادبی تاریخی فارسی موارد اندکی از شکار	به نظر می‌رسد انتخاب چنین نقشی برای گچبری بالای رواق خانهٔ سرخه‌ای، بی‌ارتباط با منصب صاحب‌خانه نباشد. چنین نقشی می‌تواند چیرگی فراش‌باشی نسبت به زیردستان و مجرمان به دام افتاده در چنگ او را به ذهن مخاطبان القا کند. به‌ویژه آن‌که در نظر داشته باشیم احتمال داشته از خانهٔ او در مواقع لزوم به‌منظور محبوس

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

	خرگوش توسط پرندهٔ شکاری می‌توان یافت.[۱۳] در منابع اساطیری، موردی یافت نشد. در اساطیر یونانی عقاب در حال کشتن خرگوش نشانهٔ یک پیروزی بزرگ بر مغلوبی حقیر دانسته می‌شود (Qadamgahi 2004, 119).	کردن برخی افراد استفاده شود.

۵-۲-۲-۲. نقش پرندهٔ نشسته در گچ‌بری بالای رواق

	شواهد و مستندات از منابع تاریخی	نتیجهٔ تفسیر آیکونولوژیک
 تصویر ۱۰: تصویر پرندهٔ نشسته در گچ‌بری بالای رواق Fig. 10: Pattern of a bird sitting, in moldings on top of the porch	ازآنجایی‌که تصویر این پرنده به پرنده‌ای که خرگوشی در چنگال دارد شبیه است، احتمالاً این مورد نیز پرنده‌ای شکاری باشد. این احتمال وجود دارد که مدنظر سازندهٔ گچ‌بری، ایجاد نقش مرغ وارغن یا همان هما بوده باشد. پرنده‌ای که قدما آن را موجب سعادت می‌دانستند و می‌پنداشتند که سایهٔ آن بر سر هرکسی بیفتد، او را خوشبخت می‌کند. این پرنده در ادبیات فارسی نیز مظهر فر و شکوه دانسته می‌شود (Shafaq and Zarei 2012, 60).	ممکن است که منظور از ایجاد چنین طرحی بر بالای دو قوس انتهایی رواق– که در زیرشان پله‌های ورود به بنا قرار دارد– طلب سعادت و خوشبختی برای کسانی باشد که از زیر این دو قوس گذر می‌کنند.

۵-۲-۲-۳. تزئینات گچ‌بری و آیینه‌کاری بر بالای ارسی‌ها

	شواهد و مستندات از منابع تاریخی	نتیجه‌ی تفسیر آیکونولوژیک
 تصویر ۱۱. تزئینات گچ‌بری و آیینه کاری بالای ارسی‌ها Fig. 11: Ornaments composed of moldings and mirror works Above Orossi windows	آیینه: آیینه نزد ایرانیان نماد پاکی، روشنایی، راست‌گویی و صفا بوده است. انتخاب آیینه برای تزئینات بناها، می‌تواند متأثر از متغیرهای اقتصادی نیز باشد (Aliabadi and Jamalian 2012, 19-20). گچ‌بری: این طرح حاصل ترکیب نقش ایرانی بته‌جقه با سایر نقوش گیاهی است که ظاهراً از تزئینات اروپایی گرته‌برداری شده‌اند. برای نقش بته ریشه‌های مختلفی چون سروی که براثر وزش باد خم‌شده، آتش، بادام، گلابی، بال، زن آبستن و قطرهٔ نطفه‌ی انسانی نسبت داده‌شده است و بدین طریق نمادی از مفاهیمی چون کرامت و سرافرازی، خلقت، ادامهٔ زندگی و قدرت ماورای انسانی دانسته شده است. بته همچنین نمادی از شکوه و سربلندی شاهان ایرانی در نظر گرفته‌شده است. این در حالی است که جقه نیز زائده‌ای پر مانند مزین به زیورآلات بوده که بر تاج و لباس شاهان نصب می‌شده است و از طریق آن از دیگران متمایز می‌شده‌اند (Khodaei , Karimi and Yarahmadi 2011).	تزئینات گچ‌بری و آیینه‌کاریِ این بخش را می‌توان دلالت‌کننده بر خواست‌ها و آرزوهای ضمنی ساکنان خانه برای تداوم زندگی سرافرازانه در آن دانست. مضاف بر این‌که به نظر می‌رسد تلاش‌هایی آگاهانه برای انتقال حس شکوه سلطنتی به مخاطب از طریق تزئینات یادشده صورت گرفته باشد.

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

٦. بحث

از مجموعهٔ تحلیل‌های آیکونوگرافیک و تفسیرهای آیکونولوژیک جزئیات و آرایه‌های نمای خانهٔ سرخه‌ای چند نکته را می‌توان دریافت:

٦ . ١. جزئیات و آرایه‌های به‌کاررفته در نمای رو به حیاط بیرونی این خانه، نمایانندهٔ این موضوع است که افراد دخیل در شکل‌گیری آن، ضمن آگاهی از پدیده‌های نوظهور در معماری زمانهٔ خود- عموماً تحت تأثیر آشنایی یافتن با معماری اروپا- در بهره‌گیری از این پدیده‌ها، ملاحظاتی را نیز در نظر داشته‌اند. به‌عنوان‌مثال در نمای موردمطالعه در این پژوهش، بهره‌گیری محافظه‌کارانه از فرم سنتوری و یا به کاربستن تلفیقی نقوش گیاهی ایرانی و اروپایی در تزئینات گچ‌بری، می‌تواند نشان‌گر رویارویی محتاطانهٔ افراد دخیل در شکل‌گیری نما -اعم از صاحب‌خانه، معمار و یا سازندهٔ هر یک از بخش‌های آن- با این پدیده‌های نوظهور تلقی شود. هرچند نمی‌توان از چندوچون دقیق افکاری که منجر به چنین رویارویی محتاطانه‌ای می‌شوند، اطمینان حاصل کرد، اما می‌توان تصور کرد که در تفکر این افراد، این پدیده‌های نوظهور مقبول واقع‌شده بوده‌اند.

٦. ٢. نقوش به‌کاررفته در تزئینات این نما، نشانگر این موضوع هستند که تا چه میزان، جایگاه اجتماعی صاحب‌خانه و افکار او و یا سایر افراد، حول این جایگاه، بر انتخاب طرح و نقش تزئینات مؤثر است. چه در باب نقش شیر و خورشید و شمشیر و چه در باب نقش تابلو، پرچم و شمشیر در دست که اولی با وضوح بیشتر و دومی به‌طور استعاری‌تری بر این موضوع دلالت می‌کند، تفکر آگاهانه در انتخاب نقوش متناسب با این جایگاه اجتماعی مشهود است. بااین‌حال می‌توان چنین پنداشت که تزئینات نمای رو به حیاط بیرونی، در ذهنیات افراد دخیل در شکل‌گیری این نما، به صورتی ناخودآگاه محلی برای بازنمایی موقعیت اجتماعی صاحب‌خانه و بخشی از دیدگاه‌ها و فعالیت‌های او پیرامون این جایگاه است.

٦. ٣. علاوه بر تزئینات پرکار به‌کاررفته در نما که می‌تواند حاکی از موقعیت مطلوب مالی صاحب‌خانه باشد، انتخاب مصالحی گران‌قیمت و متفاوت ازآنچه معمول نماهای خانه‌های اعیان هم‌دوره با خانهٔ سرخه‌ای است- مانند سنگ مرمر برای بخش‌هایی از نما- گویای افکار آگاهانهٔ افراد دخیل در شکل‌گیری این نما، مبنی بر به نمایش گذاشتن موقعیت اقتصادی صاحب‌خانه از طریق انتخاب میزان و نوع به‌کارگیری مصالح و آرایه‌ها است. ضمن این‌که به نظر می‌رسد در ذهنیات این افراد، نمای رو به حیاط بیرونی خانه، به صورتی ناخودآگاه محلی برای به نمایش گذاشتن موقعیت و طبقهٔ اقتصادی صاحب‌خانه از طریق ایجاد نوعی تمایز بوده است.

٦. ٤. در نمونه نمای موردمطالعه، علاوه بر تأثیرگذاری پارامترهای عام بر روی انتخاب جزئیات و آرایه‌های نما - همچون آگاهی بر عناصر معماری معمول زمان و عناصر معماری نوظهور درزمینهٔ نما- و پارامترهای نسبتاً عمومی- همچون جایگاه و طبقهٔ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کارفرما- تأثیر پارامترهای شخصی‌تری نیز مشهود است. نقش پرنده با خرگوشی در چنگ که پیش‌تر موردبررسی قرار گرفت، از این موارد محسوب می‌شود. این نقش را می‌توان دلالتی بر یکی از ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با سمت و شغل صاحب‌خانه تلقی کرد که ممکن است بر اساس تفکری آگاهانه به کار بسته‌شده باشد، هرچند خود نقش‌مایهٔ شکار خرگوش توسط پرنده و دلالت آن بر چیرگی را می‌توان مسئله‌ای ناخودآگاه و مرتبط به ذهنیات افراد دانست.

٦. ٥. درنهایت، این‌طور به نظر می‌رسد که در ذهنیات افراد دخیل در شکل‌گیری نمای موردمطالعه، نمای رو به حیاط بیرونی، به صورتی ناخودآگاه، محلی برای بازنمایی طلب خیر و سعادت برای وارد شوندگان به خانه و نیز خواست‌ها و آرزوهای ضمنی افراد برای تداوم زندگی سرافرازانه در خانه است. این امر از طریق به کار بستن نقوشی بامعنای نمادین در آرایه‌های نما صورت می‌گیرد، درحالی‌که ممکن است معمار و سازندهٔ این آرایه‌ها، این نقوش را به صورتی ناخودآگاه، بدون آگاهی از معنای آن‌ها و تحت تأثیر از الگوهای رایج تزئینات در فرهنگ معماری ایران، به کار بسته باشد.

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

به‌این‌ترتیب بر مبنای موارد بحث شده، می‌توان چنین گفت که با توجه به نبود منابع ترسیمی و منابع مکتوب کافی دربارهٔ روند طرح‌ریزی و ساخت نمای خانهٔ سرخه‌ای، امکان تشخیص آن‌که هر یک از آرایه‌ها و جزئیات آن، مشخصاً حاصل افکار یا ذهنیات کدام فرد یا گروه دخیل در شکل‌گیری آن است، فراهم نیست. بااین‌حال با کاربست روش خوانش آیکونولوژیک، امکان تفکیک افکاری که به صورتی آگاهانه جزئیات و آرایه‌های نما را متأثر ساخته‌اند، از ذهنیاتی که به صورتی ناخودآگاه آن‌ها را شکل داده‌اند، فراهم شد.

نتیجه‌گیری

هرچند در این پژوهش به‌واسطهٔ بهره‌گیری از روش خوانش آیکونولوژیک، امکان تفکیک افکار و ذهنیات دخیل در شکل‌گیری آرایه‌ها و جزئیات نمای یک‌خانهٔ قاجاری فراهم آمد؛ اما واضح است که در صورت نبود منابع مکتوب قابل استنادی که دلالت بر تأثیرگذاری افکار و ذهنیات افراد یا گروه‌های مشخصی بر شکل‌گیری نما داشته باشند، نمی‌توان به‌روشنی مشخص کرد که هر بخش از جزئیات نما، حاصل افکار یا ذهنیات کدام فرد یا افراد است. بر اساس آنچه گفته شد، افکار و ذهنیات افراد مختلف دربارهٔ نمای یک‌خانه و جزئیات آن، متأثر از جایگاه تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها است. در نمای موردمطالعه در این پژوهش، تأثیر قابل‌توجه موقعیت اجتماعی صاحب‌خانه بر طرح‌ریزی جزئیات و آرایه‌های نما، کاملاً مشهود است؛ هرچند ممکن است این طرح‌ریزی، حاصل هم‌فکری صاحب‌خانه با معمار و یا سایر سازندگان اجزای نما بوده باشد. بااین‌حال نباید از تأثیر ناخودآگاه افکار و ذهنیات عمومی جامعه بر جزئیات و آرایه‌های نما چشم‌پوشی کرد. بهره‌گیری از الگوهای از پیش موجود و یا نوظهور برای این جزئیات و آرایه‌ها، دلالت بر چنین تأثیرگذاری‌ای دارند. به‌عبارت‌دیگر چه آن هنگام که در طرح‌ریزی آرایه‌ها و جزئیات از الگوهای رایج موجود در فرهنگ معماری بومی بهره گرفته می‌شود، و چه آن هنگام که به الگوها و مظاهر جدید واردشده از سایر فرهنگ‌های معماری توجه می‌شود، معمار، سازنده یا کارفرما -که مستقیماً درروند طرح‌ریزی دخیل هستند- تحت تأثیر افکار و ذهنیات عمومی جامعه قرار دارند. نکتهٔ آخر آن‌که نمای خانه‌های قاجاری در ذهنیات افراد دخیل در شکل‌گیری آن، محلی برای ظهور و بروز افکار، خواست‌ها، آمال و آرزوهای ضمنی آن‌ها است؛ به‌طوری‌که این موضوع از طریق به کاربستن نقوش، آرایه‌ها و جزئیاتی دلالت‌کننده بر چنین افکار و آرزوهایی محقق می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Iconology
2. Panofsky
3. Mezzatesta
4. Crum
5. History of mentalities

٦. منظور از بست، مکان‌های معین محترم و غالباً مصون از تعرض است و بست نشستن عمل پناه بردن به این مکان‌ها است. هرچند به نظر می رسد در این متن، منظور صرفاً پناه بردن به مکانی است که احتمال شنیده شدن اعتراض در آن فراهم باشد.

7. Pre-Iconographical description
8. Iconographical Analysis
9. Iconological Interpretation

۱۰. به عنوان مثال ر.ک. اعتمادالسلطنه، محمدحسن بنی علی. (۱۳۵۷)، صدرالتواریخ؛ به تصحیح محمد مشیری، تهران: روزبهان. ص ۲۱۳

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

۱۱. به عنوان مثال ر.ک. درووِیل، گاسپار. (۱۳۷۰)، سفر در ایران، ترجمهٔ منوچهر اعتماد مقدم، تهران: نشر شباویز. ص ۱۵٤

۱۲. به عنوان مثال ر.ک. هارفورد جونز، بریجز. (۱۳۸٦)، خاطرات سر هارفورد جونز؛ ترجمهٔ مانی صالحی علامه، تهران: نشر ثالث.

۱۳. با جستجو در سایت گنجور فقط این سه بیت یافت شد: سپس دین درون شو ای خرگوش/ که به پرواز بر شده است عقاب (قصیدهٔ شمارهٔ ۱۷ دیوان اشعار ناصر خسرو) تو چو خرگوش چه مشغول شدستی به گیا/ نه به سر برت عقاب است و به گرد تو کلاب (قصیدهٔ شمارهٔ ۲۳ دیوان اشعار ناصر خسرو) چو آهو و خرگوش یابد عقاب/ نیارد به دراج و تیهو شتاب (گرشاسپ نامهٔ اسدی توسی)؛ ر.ک. www.ganjoor.net

منابع فارسی

آلمانی، هانری رنه د. ۱۳۳۵. *سفرنامهٔ از خراسان تا بختیاری*. ترجمهٔ محمدعلی فره‌وشی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

افضل‌الملک، غلامحسین. ۱۳٦۱. *افضل‌التواریخ*. به کوشش سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه. تهران: نشر تاریخ ایران.

بامداد، مهدی. ۱۳۸۷. *شرح‌حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱٤ هجری*. تهران: نشر زوار.

برک، پیتر. ۱۳۸۱. *تاریخ و نظریهٔ اجتماعی*. ترجمهٔ غلامرضا جمشیدی‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

پانوفسکی، اروین. ۱۳۹۵. "شمایل‌نگاری و شمایل‌شناسی: درآمدی بر مطالعهٔ هنر رنسانس". در *معنا در هنرهای تجسمی*. ترجمهٔ ندا اخوان اقدم. ۳۵-۷۰. تهران: نشر چشمه.

پولاک، یاکوب ادوارد. ۱۳٦۸. *سفرنامهٔ پولاک «ایران و ایرانیان»*. ترجمهٔ کیکاووس جهانداری. تهران: انتشارات خوارزمی.

تمسکی، زینب، و زهرا اهری. ۱۳۹۵. از ذهنیت عامه تا تظاهر کالبدی: امامزاده سید اسماعیل، تهران قاجاری و رفع تعارضات اجتماعی. *تحقیقات تاریخ اجتماعی*. ٦(۲): ٦۵-۹۰.

جوادی یگانه، محمدرضا، و سعیده زادقناد. ۱۳۹٤. *ایرانیان در زمانهٔ پادشاهی*. تهران: وزارت کشور، مرکز اجتماعی فرهنگی، دبیرخانهٔ شورای اجتماعی.

حاجی علیلو، سلماز. ۱۳۸٤. بررسی اثرپذیری و موارد الگوبرداری از ایران پیش از اسلام در عصر قاجار با تکیه‌بر نقش برجسته‌های قاجاری. *نامهٔ انسان‌شناسی*. ٤(۸): ۳۰-۵۹

خدایی، محمد زمان، و صادق کریمی. و مهدی یاراحمدی. ۱۳۹۰. نگاهی به سیر تحول و نمادینگی بته و جقه. *تحقیقات فرهنگی*. ٤(۲): ۱۰۹-۱۳۲

خورموجی، محمدجعفر بن محمدعلی. ۱۲۸٤. *حقایق‌الاخبار ناصری*.

درووِیل، گاسپار. ۱۳۷۰. *سفر در ایران*. ترجمهٔ منوچهر اعتمادمقدم. تهران: نشر شباویز.

ذکا، یحیی. ۱۳٤٤. "تاریخچهٔ تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم هجری قمری تا امروز". *هنر و مردم*. (۳۸): ۲۱-۲۹.

رعیتی‌زاده، فاطمه، و سیده آیین فاضل. ۱۳۹۰. مطالعهٔ تطبیقی ریخت‌شناسی شمشیرهای سلطنتی ایران و عثمانی در سده‌های دهم و یازدهم هجری قمری. *مطالعات تطبیقی هنر*. ۱(۲): ۵۷-۷۱.

رمضانی جماعت، مینا، و جواد نیستانی. ۱۳۸۹. جلوه‌های سنت و تجدد در فضای ورودی خانه‌های تهران دورهٔ قاجار. *هنرهای زیبا*. ۲(٤٤): ٦۵-۷٦.

سپهر، عبدالحسین. ۱۳۸٦. *مرآت‌الوقایع مظفری*. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر. ۱۳۸۳. *وقایع اتفاقیه*. تهران: نشر آسیم.

سلطانی، مهدی، و هادی ندیمی. ۱۳۹۷. رساله‌های تذکره‌البیان و تذکره‌الابنیه، راهی به سوی ذهنیت معمار سنان دربارهٔ معماری. ۲۸(۸۲): ٦-۲۵.

شفق، اسماعیل، و جمیله زارعی. ۱۳۹۱. جستاری پیرامون همای. *متن‌شناسی ادب فارسی*. ٤(۱): ۵۷-۷۲.

شهری‌باف، جعفر. ۱۳۸۳. *طهران قدیم*. جلد دوم. تهران: نشر معین.

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

علی‌آبادی، محمد، و سمیه جمالیان. ۱۳۹۱. بازشناسی الگوهای آیینه‌کاری در بناهای قاجاری شیراز. *نگره*. ۷ (۲۳): ۱۷–۳۰.

قدمگاهی، نسرین. ۱۳۸۳. عقاب در اسطوره و ادبیات. *ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد*. (۱ و ۲): ۱۰۶–۱۲۶.

قره‌بگلو، مینو، و سولماز روحی‌فر. ۱۳۹۷. تاریخ ذهنیت عامه، عاملی تأثیرگذار بر کیفیت مسکن. *هنرهای زیبا*. ۲۳(۱): ۶۷–۸۰.

قلی‌زاده، خسرو. ۱۳۹۱. *دانشنامهٔ اساطیری جانوران و اصطلاحات وابسته*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

قیومی بیدهندی، مهرداد. ۱۳۹۰. سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوهٔ جستجو در آن‌ها. *گلستان هنر*. (۱۵): ۵–۲۰.

قیومی بیدهندی، مهرداد و امید شمس. ۱۳۹۱. درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران. *مطالعات معماری ایران*. ۱(۲): ۵–۲۵.

کانوی، هیزل، و راوئن رونیش. ۱۳۸٤. تاریخ معماری چیست؟. ترجمهٔ حمیدرضا خوئی. *گلستان هنر* (۲): ۲٤–۳٦.

محمود، محمود. ۱۳۷۸. *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*. جلد دوم. تهران: نشر اقبال.

محمودی، امیرسعید. ۱۳۸۳. "تفکر در طراحی، معرفی الگوی تعاملی در آموزش طراحی". *هنرهای زیبا* (۲۰): ۲۷–۳٦.

مراغه‌ای، زین‌العابدین. ۱۳۸۵. *سیاحت‌نامهٔ ابراهیم بیگ*. تهران: نشر آگه.

مستوفی، عبدالله. ۱۳۸٤. *شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه*. جلد اول. تهران: نشر زوار.

منتظر، بهناز، حسین سلطان‌زاده، و بهشاد حسینی. ۱۳۹۸. تبیین تأثیر معماری نئوکلاسیک قرن ۱۸ و ۱۹ روسیه بر معماری بناهای اداری–خدماتی ایران (دورهٔ قاجار و پهلوی اول). *باغ نظر* ۱٦(۷۰): ۷۳–۸٦.

نادرمیرزا. ۱۳۹۳. *تاریخ و جغرافی دارالسلطنهٔ تبریز*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تبریز: انتشارات آیدین.

والی‌زاده معجزی، محمدرضا. ۱۳۸۰. *تاریخ لرستان روزگار قاجار: از تأسیس تا کودتای ۱۲۹۹*. تهران: نشر حروفیه.

ویلز، چارلز جیمز. ۱۳۸۸. *ایران در یک قرن پیش: سفرنامهٔ دکتر ویلز*. ترجمهٔ غلامحسین قراگزلو. تهران: نشراقبال.

منابع انگلیسی

Afzal-ol-Malek, Gholam Hossein. 1982. *Afzal-ol-Tavarikh.* Edited by Sirous Sa'dvandian and Mansoureh Ettehadieh. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran. [In Persian]

Aliabadi, Mohammad, and Somaye Jamalian . 2012. Recognition of Mirror Work Patterns in Qajar Monuments at Shiraz. *Negareh Journal* 7 (23): 17-30. [In Persian]

Allemagne, Henry Rene d. 1956. *From Khorasan to Bakhtiari Travelogue.* Translated by Mohammad Ali Farehvashi. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]

Bamdad, Mehdi. 2008. *Biography of Dignitaries of Iran in 18th, 19th and 20th century.* Tehran: Nashr-e Zavvar. [In Persian]

Burke, Peter. 2002. *History and Social Theory.* Translated by Gholamreza Jamshidiha. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]

Conway, Hazel, and Rowan Roanisch. 2005. What is Architectural History?**.** *Golestan-e Honarr* (2): 24-36. [In Persian]

Drouville , Gaspard. 1991. *Travel in Iran.* Translated by Manoochehr Etemad Moqaddam. Tehran: Nashr-e Shabaviz. [In Persian]

Crum, Roger J. 1989. Cosmos, the World of Cosimo": The Iconography of the Uffizi Façade**.** *The Art Bulletin* 71(2): 237-253.

Gharehbaglou, minou , and Solmaz Roohifar. 2018. The history of public mentalities as an influential factor on the quality of housing. *Honara-Ye-Ziba Memari-Va-Shahrsazi* 23 (1): 67-80. [In Persian]

Gholizadeh, Khosro. 2014. *The Mythological Encyclopedia of Animals and its Related Terms.* Tehran: Publishing House of the Parseh Book. [In Persian]

Gudehus, Christian. 2016. on the significance of the past or present and future action. *In Theorizing Social Memories: Concepts and Contexts*, by Gerd Sebald and Jatin Wagle, 84-98. New York: Routledge.

Hajialilou, Solmaz. 2005. Investigating the impressionability and Modeling from Pre-Islamic Iran in Qajar Era Relying on Qajar beliefs. *Name-ye Ensanshenasi* 4 (8): 30-59. [In Persian]

Hutton, Patrick H. 1999. Mentalities, History of. In *Encyclopedia of Historians and Historical Writing*, by Kelly Boyd. Taylor & Francis.

Javadi Yeganeh, Mohammad reza, and Saeedeh Zadghannad. 2015. *Iranians in Kingdom Era.* Tehran.

Khodaei , Mohammad Zaman , Sadegh Karimi, and Mehdi Yarahmadi. 2011. A Glance at the Evolution of Botteh-Jeghegh Symbol. *Iranian Cultural Research* 4 (2): 109-132. [In Persian]

Khormouji, Mohammad Jafar ben Mohammad Ali. 1905. *Haqayeq-ol-Akhbar-e Naseri.* [In Persian]

Mahmoud, Mahmoud. 1999. *History of Iran and England Political relationship in 19th century.* Tehran: Nashr-e Eqbal. [In Persian]

Mahmoudi, Amir Saeid. 2005. Thinking in Design process, Introducing an Interactive Model in Design Education. *HONAR-HA-YE ZIBA* (20): 27-36. [In Persian]

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]

Maraqehee, Zein-al-Abedin. 2006. *Siyahatnameh-ye Ebrahim Beyg (Ebrahim Beyg's Travelouge).* Tehran: Nashr-e Agah. [In Persian]
Mezzatesta, Michel P. 1985, The Façade of Leone Leoni's House in Milan, the Casa degli Omenoni: The Artist and the Public**.** *Journal of the Society of Architectural Historians.* 44(3): 233-249.
Montazer , Behnaz , Hossein Soltanzadeh , and Seyed Behshid Hosseini. 2019. The Effect of 18th and 19th Centuries Russian Neoclassical Architecture on the Architecture of Iranian Administrative-Service Buildings (During Qajar and First Pahlavi Eras). *BAGH-E NAZAR* 16 (70): 73-86. [In Persian]
Møller, Henrik Rye. 2004. Mentality: a neglected field of investigation in intercultural studies. In *intercultural alternatives:critical perspectives on intercultural encountersin theory and practice*, by Maribel Blasco and Jan Gustafsson, 133-154. Copenhagen: Copenhagen Business School Press DK.
Mostofi, Abdollah. 2005. *The Administrative and Social History of the Qajar Period: (The Story of My Life).* Tehran: Nashr-e Zavvar. [In Persian]
Nader Mirza. 2014. *History and Geography of Dar-ol-Saltaneh-ye Tabriz.* Tabriz: Entesharat-e Aydin. [In Persian]
Najmabadi, Afsaneh. 2005. *Women with Mustaches and Men without Beards: Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*. California: University of California Press.
Panofsky, Erwin. 1955. "Two Facade Designs by Domenico Beccafumi and the Problem of Mannerism in Architecture". In *Meaning in Visual Arts*, By Erwin Panofsky. New York: Doubleday& Company.
---. 2016. "Iconography and Iconology: An Introduction to the study of Renaissance Art. In *Meaning in Visual Arts*, by Erwin Panofsky, translated by Neda Akhavan Aghdam, 35-70. Tehran: Nashr-e Cheshmeh. [In Persian]
---. 2018. *Studies in Iconology, Humanistic Themes in the Art of the Renaissance*. New York: Rutledge.
Pleßke, Nora. 2014. *The Intelligible Metropolis: Urban Mentality in Contemporary London Novels.* Transcript Verlag.
Polak, Jakob Eduard. 1989. *Polak's Travelogue Iran and Iranians.* Translated by Keykavous Jahandari. Tehran: Entesharat-e Kharazmi. [In Persian]
Qadamgahi, Nasrin. 2004. The Eagle in Mythology and Literature. *Persian Liturature Quarterly* (1&2): 106-126. [In Persian]
Qayyoomi Bidhendi , Mehrdad, and Omid Shams. 2013. History of Mentalities in Iranian Architecture: an Introduction. *Iranian Architecture Studies* 1 (2): 5-25. [In Persian]
Qayyoomi Bidhendi, Mehrdad. 2009. On the Sources of the History of Iranian Architecture and Its Research Principles. *Golestān-e Honar* (15): 5-20. [In Persian]
Ramezan Jamaat , Mina , and Javad Neyestani. 2011. The Manifestations of Modernity and Tradition in the Entrance Spaces of Houses in Tehran in Qajar Era. *Honar-Ha-Ye-Ziba Memari-Va-Shahrsazi* 2 (44): 65-76. [In Persian]
Rayati zadeh, Fatemeh, and Ayeen Fazel. 2012. A Comparative Study of Morphology of Persian and Ottoman Royal Swords. *Motaleate-e Tatbighi-e Honar* 1 (2): 57-71. [In Persian]
Saidi Sirjani, Ali Akbar. 2005. *Vaqaye-e Ettefaqiyeh.* Tehran: Nashr-e Asim. [In Persian]
Sepehr, Abdolhossein. 2008. *Mer'at-ol-Vaqaye-e Mozaffari.* Tehran: Miras-e Maktoob. [In Persian]
Shafagh, Esmaeel, and Jameeleh Zarei. 2012. A Research about Homay. *Textual Criticism of Persian Literature* 4 (1): 57-72. [In Persian]
Shahribaf, Jafar. 2004. *Tehran-e Qadim (Old Tehran).* Tehran: Nashr-e Moin. [In Persian]
ShapurShahbazi, Alireza. "Flags in Persia. *Encyclopedia Iranica*, available at www.iranicaonline.org/articles/flags-i (accessed 2020/15/02).
Soltani, Mehdi, and Hadi Nadimi. 2018. Tazkara-t'al-Bonian and Tazkara-t'al-Abnieh Epistles: Pathways towards Architect Sinan's Mindset about Architecture. *Soffeh* 28 (82): 6-25. [in Persian]
Tamasoki, Zeynab, and Zahra Ahari. 2017. From Public Mentality to Body Representation: Imam Descendant SeyyedIsmaeel, Qajari Tehran and Settlement of Social Conflicts. *Tahqiqat-e Tarix-e Ejtema'i* 6 (2): 65-90. [In Persian]
Valizadeh Mojezi, Mohammadreza. 2001. *History of Lorestan in Qajar Era: from Establishment to coup d'etat of 1299.* Tehran: Nashr-e Horoufiyeh. [in Persian]
Wills, Charles James . 2009. *In the Land of the Lion and Sun.* Translated by Gholamhossein Gharagozlou. Tehran: Nashr-e Eqbal. [In Persian]
Zoka, Yahya. 1965. History of Evolution of the Government of Iran Flag and Logo from 19th centuray so far. *Honar va Mardom* (38): 21-29. [In Persian]

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.11.7]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.10]